

## فصل ۱

### قیاس کردن

برای مقایسه کردن اطلاعات می توانید از شکل های صفت وقید تفضیلی و عالی استفاده کنید.

- برای مقایسه کردن افراد ، چیزها ، مکان ها و یا رویدادها از صفت تفضیلی (+than) استفاده کنید.

People in their 50s find learning a language more difficult than young people.

- برای مقایسه کارها و اعمال از ازقیدهای تفضیلی (+than) استفاده کنید:

*People in their 50s make friends more quickly than young people*

- از the+ یک قید یا صفت عالی برای مقایسه یک نفر یا یک چیز با سایر افراد یا چیزهای یک گروه استفاده

کنید:

The most difficult thing is learning the local language

نحوه ساخت صفات وقیدهای تفضیلی و عالی

- اضافه کردن -er یا -est به :

–صفت های یک سیلابی

*slower (than), the highest*

–صفت های دو سیلابی که به -y ختم می شوند:

*easier (than), the happiest*

تغییر y به i

–قیدهای یک سیلابی

*faster (than), the hardest*

- اضافه کردن more و most به:

- صفت‌هایی با دو یا چند سیلاب (به جز صفت هایی دو سیلابی که به -y ختم می شوند):

- *more important (than), the most complicated*

–قیدهایی با دو یا چند سیلاب

*more easily (than), the most successfully*

• برخی صفت ها برای حالت تفضیلی و عالی شکل های بی قاعده دارند:

- *good, better, best*
- *bad, worse, worst*
- *far, farther/further, farthest/furthest many, more, most*
- *much, more, most little, less, least*

• برخی قیده ها برای حالت تفضیلی و عالی شکل های بی قاعده دارند:

- *badly, worse, worst well, better, best*

• برای گفتن اینکه چیزی کمتر از چیز دیگری است از *less* و *least* استفاده می شود:

Children find learning to read less complicated than mathematics.

## املاي کلمات

- وقتی فقط يك حرف صدا دار وجود دارد (a,e,i,o,u) قبل از آخرين حرف بي صدا (b,c,dو...) آخرين

حرف بي صدا تکرار می شود:

- *big - bigger, thin - thinner (BUT safe - safer, clean - cleaner)*

نکته: وقتی آخرين حرف بي صدا W باشد ، تکرار نمی شود:

- *low- lower*

- $\gamma$  آخر کلمه به i تبديل می شود:

- *friendly - friendlier*

## فصل ۲

### کلمه سازی

#### اضافه کردن پیشوندها

برخی کلمات با افزودن یک پیشوند به ابتدای کلمه معنای کاملاً متضادی پیدا می کنند (مثلاً)  $\text{dis-} + \text{appear} =$

(disappear). در اینجا رایج ترین پیشوندهایی که معنای کلمه را متضاد می کنند آمده است:

*dis- disappear                      un- unusual*

*in- inefficient                      mis- misleading*

#### اضافه کردن پسوند

با اضافه کردن پسوند هایی به آخر برخی کلمات می توان شکل فعل ، اسم ، صفت یا قید آن کلمات را درست

کرد. (مثلاً  $\text{appear} + \text{-ance} = \text{appearance}$ )

هیچ قانون مشخصی برای این کار وجود ندارد- کلمه و کلماتی که ممکن است از آن ساخته شوند را باید

آموخت. برخی از رایج ترین این کلمات را در اینجا آورده ایم:

verb → noun		
suffix	verb	noun
-ment	move	movement
-ation/-tion/-sion	rotate inform obsess	rotation information obsession
-er/-or	consume supervise	consumer supervisor
-ance	appear	appearance

adjective → noun		
suffix	adjective	noun
-ance/-ence	important absent	importance absence
-ness	fresh	freshness
-ity	popular	popularity

noun → adjective		
suffix	noun	adjective
-y	<i>wealth</i>	<i>wealthy</i>
-ful	<i>harm</i>	<i>harmful</i>
-ous	<i>nutrition</i>	<i>nutritious</i>
-less	<i>care</i>	<i>careless</i>
-al	<i>nature</i>	<i>natural</i>

noun → verb		
suffix	noun	verb
-ify	<i>class</i>	<i>classify</i>
-ise/-ize	<i>critic</i>	<i>criticise/criticize</i>

adjective → verb		
suffix	adjective	verb
-ify	<i>simple</i>	<i>simplify</i>

verb → adjective		
suffix	verb	adjective
-ed	<i>educate</i>	<i>educated</i>
-ing	<i>care</i>	<i>caring</i>
-able/-ible	<i>notice</i> <i>respond</i>	<i>noticeable</i> <i>responsible</i>

adjective → adverb		
Adverbs are almost always formed by adding <i>-ly</i> . If the adjective ends in <i>-ic</i> , you change it to an adverb by adding <i>-ally</i>		
suffix	adjective	adverb
-ly/-ally	<i>simple</i> <i>organic</i>	<i>simply</i> <i>organically</i>

## قوانین املائی برای اضافه کردن پیشوندها و پسوندها

### اضافه کردن پیشوندها

با اضافه کردن پیشوندها شکل املائی کلمه تغییری نمی کند، مثلاً *appoint - disappoint, satisfied -*

*dissatisfied, like - unlike, necessary - unnecessary*

نکته:

پیشوند *in-* در جلوی برخی حروف خاص به کار نمی رود:

- قبل از کلماتی که با *r-* شروع می شوند باید از *ir-* استفاده کرد: *irrelevant*
- قبل از کلماتی که با *m-* یا *p-* شروع می شوند باید از *im-* استفاده کرد: *immature, impatient*
- قبل از کلماتی که با *l-* شروع می شوند باید از *il-* استفاده کرد: *illogical, illiterate*



## اضافه کردن پسوندها

### تکرار حروف بی صدا

- تکرار حرف بی صدای آخر

-وقتی -ed, -ing, -err, -est به یک کلمه یک سیلابی ختم می شود که آخر آن از یک حرف

بیصدا+حرف صدادار+حرف بیصدا تشکیل شده :

shop - shopper, big – bigger

- در فعل های دویا چند سیلابی که آخر آن از یک حرف بیصدا+حرف صدادار+حرف بیصدا تشکیل

شده وسیلاب آخر استرس می گیرد:

oc'cur - occurrence, for'get - forgetting, ad'mit - admitted (but

'happened, de'veloping

-در کلمات انگلیسی بریتانیایی که حرف آخر آنها | بوده وقبل از آن یک حرف صدادار قرار

دارد(در انگلیسی امریکایی ممکن است تکرار نشوند): - travel - traveller, cancel

cancellation

- حرف w, -x, -y -وقتی در انتهای کلمه بیایند تکرار نمی شوند: slower, relaxed, buyer

- حروف بیصدا آخر کلمه را در موارد زیر هرگز تکرار نکنید:

-وقتی دو حرف بیصدا در انتهای کلمه قرار دارند: depend - depending

-وقتی دو حرف صدادار قبل از آخرین حرف بیصدا قرار دارند: disappear – disappearance

-وقتی فعل به یک حرف صدادار ختم می شود: share – shared

-وقتی سیلاب آخر استرس ندارد: open – opening

$y \rightarrow i$  and  $i \rightarrow y$

- برای کلماتی که به y-ختم شده و قبل از آن حرف بیصدا قرار دارد، با اضافه شدن پسوند حرف i به y

تبدیل می شود (به جز -ing):

happy - happiness, try - tries, family - familiar, rely – reliance

- به این استثنا توجه کنید:

day- daily

- ing: با اضافه شدن ing به تبدیل می شود: تغییر نمی کند:

lie - lying, study - studying, try - trying

**درچه مواردی حرف e-در آخر کلمه حذف می شود**

- اگر قبل از e-آخر حرف بیصدا باشد e-حذف شده و پسوند با یک حرف صدادار شروع می شود (ed

(...ation, -inq, -ence)

- *amaze - amazing, fame - famous*

- وقتی پسوند با حرف بیصدا شروع شود e-آخر حذف نمی شود:

(safe - safety, arrange – arrangement) (استثناء: argue – argument)

**اضافه کردن -ly برای ساختن قیدها**

صفت هایی که به ا- ختم می شوند بعد از تبدیل به قید به -ly ختم می شوند:

beautiful - beautifully, magical – magically

## اسم های قابل شمارش و غیر قابل شمارش

اسم ها یا قابل شمارشند (C) یا غیر قابل شمارش (U) یا هم قابل شمارش و هم غیر قابل شمارش. اگر اسم ها هم قابل

شمارش و هم غیر قابل شمارش باشند معنای آنها متفاوت خواهد بود:

.It will take time [U] (=months, years) to change people's opinions on the subject

I visited Sydney several times [C] (=on several occasions) during my stay in

Australia

اسم های قابل شمارش و غیر قابل شمارش قوانین گرامری متفاوتی دارند:

## اسم های قابل شمارش

- در حالت مفرد از a یا an برای آنها استفاده می شود: a job, an opinion
- شکل جمع دارند: jobs, opinions
- در حالت جمع می توان برای آنها از few و many استفاده کرد: few teachers, many

suggestions

## اسم های غیر قابل شمارش

- از a یا an نمی توان برای آنها استفاده کرد: work, research

- شکل جمع ندارند(وهمیشه فعل آنها به حالت مفرد است): Their experience is very useful.

- برای آنها می توان از some یا any استفاده کرد: some information, any food

- برای آنها از little یا much می توان استفاده کرد: little help, much discussion

- برای اشاره به مقدار می توان از سایر اسم های قابل شمارش استفاده کرد:

- a piece of research, a large amount of money

برخی از رایج ترین اسم های غیر قابل شمارشی که داوطلبان آیلتس درمورد آنها دچار اشتباه می شوند:

advice  
aid  
attention  
behaviour  
countryside  
damage  
dirt  
equipment

food  
furniture  
garbage  
help  
homework  
information  
knowledge  
pollution

research  
shopping  
software  
spending  
stuff  
transport  
work

## عباراتی برای بیان مقدار

### اسم های قابل شمارش

- a (large/small) number of:

A large number of people came to the meeting.

- a wide range of:

The students expressed a wide  
range of points of view.

### اسم های غیر قابل شمارش

- a (large/small/considerable) amount of:

The storm produced a considerable amount of damage

- a great deal of:

A great deal of research is being  
done.

### اسم های قابل شمارش و غیر قابل شمارش:

- a lot of

They ate a lot of food

- plenty of

He has plenty of qualifications, but little experience.

She has plenty of experience, but few qualifications

### فصل ۳

#### حروف اضافه

#### در عبارات زمانی

- برای ماه ها و روز ها از in استفاده کنید: in August, in 2077

- برای دوره های زمانی از موارد زیر استفاده کنید:

between ... and: between August and October

from ... to: from 2005 to 2070 (=between 2005 and 2070)

over-+چندماه یا سال +دوره زمانی: over a 20-year period

-during+ یک کلمه یا عبارتی که بیانگر یک دوره زمانی است: During the summer holidays

/ the lesson / the period between March and May / the five-year period,

\*دقت داشته باشید **during** به معنای "بخشی از زمان اشاره شده است"، **over** به معنای تمام زمان اشاره

Faisal stayed at the hotel for two weeks during the summer. The graph shows information about hotel staff over a ten-year period

### در عباراتی که روندها / رویه ها را نشان می دهند

- برای نشان دادن چیزی که تغییر کرده است از یک **in** + یک اسم استفاده کنید.

a rise in, a decrease in, a change in

- برای نشان دادن اینکه یک چیز چقدر تغییر کرده است از موارد زیر استفاده کنید:

—a noun + of: There has been an increase of 3 percent.

—a verb + by: The number fell by 3,000.

—a verb or noun + from ... to:

The average rose from 0.7 to 7.3.

- برای نشان دادن سطح از **at** + فعل استفاده کنید: Unemployment peaked at 7.7 percent.



- برای نشان دادن اینکه چیزی به سطح خاصی رسیده از to+ فعل استفاده کنید:

The number rose to 27,000

زمان ها: گذشته ساده ، ماضی نقلی و استمراری

ساختار	
verb + -ed did not + verb	گذشته ساده
have/has + verb + -ed have not + verb + -ed	ماضی نقلی
have not + verb + -ed	حال کامل استمراری

از گذشته ساده در موارد زیر استفاده می شود:

- کارها یا رویدادهایی در گذشته که زمانی به صورتی که زمان مورد اشاره کاملاً مشخص است:

A couple of years ago, I went on holiday with a friend

- مجموعه ای از کارها و رویدادهای گذشته که پشت سر هم اتفاق افتاده اند:

We hired a car, which we picked up when we reached the airport

- چیزهایی که در گذشته تمام شده اند:

- *I **went** to a different primary school from my brothers.*

از ماضی نقلی ساده در موارد زیر استفاده می شود:

- موقعیت ها یا حالت هایی که (نه کارها و فعالیتها) در گذشته شروع شده و هنوز هم در زمان حال ادامه دارند:

- *I've always **enjoyed** travelling.*

- چیزهایی که در گذشته اتفاق افتاده اند ولی فاقد زمان بوده و نتیجه آن در زمان حال وجود دارد:

- *Great news! I've **passed** the exam!*

از ماضی نقلی استمراری در موارد زیر استفاده می شود:

- کارها و موقعیت هایی که در زمانی در گذشته شروع شده و هنوز هم ادامه دارند:

- *He **has been working** on the project for three months.*

**on the other hand و However, although, even though**

on the other hand و However, although, even though برای مقایسه نظرات یا اطلاعات به کار

می روند

**even though و Although**

- از Although و even though برای مقایسه نظرات/ایده ها در یک جمله استفاده می شود:

Although television is not as popular as in the past, it is still the most  
.influential form of media

Many people still buy newspapers even though they have little time to read  
.them

- وقتی Although و even though در ابتدای جمله قرار می گیرند بعد از آنها کاما (ویرگول) بگذارید.

Although the website was expensive to design, very few people visit it

- وقتی . Although و even though در وسط جمله می آیند از کاما استفاده نکنید:

Many people are afraid of flying even though it is very safe.

- even though از although قوی تر است.

### However و on the other hand

- از However و on the other hand برای مقایسه کردن چیزها و نظرات در دو جمله متفاوت استفاده

می شود جمله دوم با. However و on the other hand شروع می شود "

Air travel is the fastest form of travel. However, you can waste a lot of time  
at airports

- on the other hand اغلب برای شروع کردن یک پاراگراف جدید که دیدگاه متضادی را مطرح می

کند استفاده می شود:

- *On the other hand, there are strong arguments against reporting details of crimes on television.*

- بعد از However و on the other hand کاما قرار می گیرد:

- *However, I believe stronger measures are necessary.*

## کاربردهای حروف تعریف

### کاربردهای the:

- وقتی افراد می دانند شما درباره چه چیزی صحبت می کنید چون قبلا به آن موضوع اشاره کرده اید و یا از

روی متن کاملا مشخص است :

- *He had an excellent idea. **The** idea was to post the list on the web.*

- وقتی فقط یک مورد از آن چیز بخصوص وجود دارد: the world, the Internet

- با یک اسم مفرد که به گروهی از افراد یا چیزها اشاره می کند: the police, the government

- با صفات یا قیود عالی (بخش مقایسه کردن در صفحه ۱۰۰ را ملاحظه نمائید):

the highest figure, the best solution

- با the first, the second... the first difficulty

- با صفت هایی که به یک گروه اشاره می کنند: the rich

- باملیت ها: the Chinese

مواردی که نباید از the استفاده کرد:

- وقتی کلی وبا اسم غیرقابلش شمارش یا اسم جمع صحبت می کنید:
- *Life was more difficult for our grandparents.*
- *People are often afraid of taking risks*
- در عبارات رایجی مثل: at home, in/to hospital, in/to prison, at/to school, at/to university, at/to work

- *I'm hoping to go to university in Australia.*
- *He's at work at the moment*

## an و A

- از A و an همراه با اسم مفرد قابل شمارش که بار اول است درباره آن صحبت می کنید استفاده نمائید:
- *A teacher who influenced me when I was at school was ...*
- از an و A با اسم های غیرقابل شمارش و اسم های جمع استفاده نکنید:
- *freedom, arguments*

- از an قبل از اسم هایی که با موارد زیر شروع می شوند استفاده کنید:

– u, a, e, i, o :

an impression

– h وقتی تلفظ نمی شود:

an hour

- قبل از کلماتی که با e- و u- شروع شده و تلفظ می شوند به جای an از a باید استفاده کنید:

- *a university, a European bank*

## فصل ۵

### مجهول

فرمول مجهول: be+ past participle (changed/spoken /done)

با افعالی مثل can, should , must و غیره مجهول به این شکل ساخته می شود:

can/should/must+ be+ past participle

The equipment must be placed in the right environment

به حالت مجهول و معلوم این جملات دقت کنید:

active	passive
The wind <b>moves</b> the turbine.	The turbine <b>is moved</b> by the wind.
They <b>raised</b> the price of cigarettes last year.	The price of cigarettes <b>was raised</b> last year.
The government <b>has reduced</b> the tax on petrol.	The tax on petrol <b>has been reduced</b> .
People <b>can argue</b> that travel is an essential part of education.	<b>It can be argued</b> that travel is an essential part of education.

موارد کاربرد مجهول:

- وقتی نمی دانیم کی یا چی کاری را در گذشته یا حال انجام داده است:
- *The price of cigarettes was raised last year.*
- وقتی نیاز نیست بگوییم کی یا چی کاری را انجام داده است (چون کننده آن مشخص است):
- *The tax on petrol has been reduced.*
- وقتی آنچه که آنچه اتفاق افتاده مهم است نه فاعل آن:
- *The turbine is moved by the wind.*



- درنگارش متون رسمی

It can be argued that travel is an essential part of education.

## فصل ۶

verbs+ -ing و Verbs+ infinitive

- Verbs+ infinitive

(.They agreed to install a wind turbine)

agree appear bother choose decide demand

fail hope learn manage offer plan refuse seem

verb+ somebody/something +infinitive و Verbs+ infinitive •

- (She **asked to see** the plans. She **asked them to show her the plans.**)

- ask choose expect help intend want

- 

**verb+ somebody/something +infinitive •**

- (They have **advised the government to invest** in renewable energy)

- advise allow enable encourage forbid force invite order  
permit persuade recommend remind teach tell

**verb+-ing •**

- (She **admitted breaking** the window.)
- admit appreciate avoid celebrate consider delay deny  
dislike enjoy finish imagine keep
- mind miss postpone practice risk suggest

• از verb+-ing بعد از این اصطلاحات هم استفاده می شود:

spend/waste time, it's no good, it's not worth, it's no use:

. He spends his free time shopping for clothes

• به دنبال برخی افعال یا مصدر فعل (infinitive) می آید یا verb+-ing که هر دو یک معنی دارند:

- love\* begin continue hate\* prefer\* like\* start

- *I love playing tennis.*
- *I love to play tennis.*

\*وقتی این افعال با would به کار می روند همیشه بعد از آنها مصدر فعل (infinitive) قرار می گیرد:

I wouldn't like to work in a factory

I'd prefer to buy it online than go to a shop

- به دنبال برخی افعال یا مصدر فعل (infinitive) می آید یا verb+-ing ولی معنی آن تغییر می کند:

	Verb+infinitive	Verb+-ing
Remember	You must remember to write your name at the top of the page. (کاری که شما مجبورید و باید انجام دهید)	I remember going to school for the first time (به خاطر آوردن چیزی که در گذشته اتفاق افتاده است.)
Stop	He stopped to answer the phone. (کاری را که در حال انجامش بوده متوقف کرده تا جواب تلفن را بدهد)	He stopped speaking. (کاری را که در حال انجامش بوده متوقف کرده است.)
Try	She's trying to improve her vocabulary, so she's reading a lot. (هدف او ارتقاء وازگانش است.)	She has tried learning word lists as a way of improving her vocabulary. (یادگیری لیست واژگان روشی است برای رسیدن به هدفش)

## عبارت موصولی و ضمایر موصولی

دو نوع عبارت موصولی وجود دارد:

### ۱- عبارات موصولی تعریف کننده (مشخص کننده)

این عبارات به ما می گویند در باره کدام فرد یا چیز صحبت می شود و اطلاعات مهمی در اختیار ما قرار می

دهند:

**The school which I went to had more than 7,000 pupils.**

عبارت موصولی به ما می گوید صحبت درباره کدام مدرسه است.

### ۲- عبارات موصولی غیر تعریف کننده

این عبارات اطلاعات اضافی به ما می دهند اما به ما نمی گویند موضوع صحبت کدام فرد یا چیز است چون

ما از قبل آن را می دانیم :

*Leeds University, **which was founded in 1904**, has an excellent reputation.*

ما می دانیم موضوع صحبت کدام دانشگاه است. عبارت موصولی فقط اطلاعات بیشتری را اضافه کرده است.

تفاوت های بین عبارات موصولی تعریف کننده و غیر تعریف کننده:

عبارات موصولی تعریف کننده:	عبارات موصولی تعریف کننده:
<ul style="list-style-type: none"> <li>• از کاما استفاده می شود:</li> </ul> <p><i>Nagwa Mohamed, who spoke at the meeting, is the new head of the department.</i></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• نمی توان از <i>that</i> به جای <i>who</i> یا <i>which</i> استفاده کرد.</li> <li>• نمی توان ضمیر موصولی (<i>who/which</i>) را حذف کرد.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• در آنها از کاما استفاده نمی شود:</li> </ul> <p><i>The village where I live only has one shop.</i></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• می توان به جای <i>who</i> یا <i>which</i> از <i>that</i> استفاده کرد:</li> </ul> <p><i>The school that I went to had more than 1,000 pupils.</i></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• وقتی <i>who, which</i> و <i>that</i> مفعول هستند می توان آنها را حذف کرد:</li> </ul> <p><i>The school I went to had more than 1,000 pupils.</i></p>

ضمایر موصولی عبارتند از :

- Who به افراد اشاره می کند:

*The customers **who** come to this shop are generally young and well-off.*

- Which به چیزها/اشیاء اشاره می کند:

*I prefer going to shops **which** give you individual attention.*

- Whose به افراد یا چیزها اشاره می کند وبا اضافه کردن چیزی که متعلق به فرد یا موضوعی است

اطلاعات اضافی به ما می دهد:

*I live in a city **whose** districts are separated by canals*

- What. به معنای "چیزی است که" بوده واغلب بعد از فعل به کار می رود:

*She couldn't find **what** she wanted in the shop.*

- Where در موارد زیر به کار می رود:

–با چیزی اشاره می کند که در مکانی اتفاق افتاده است:

In my holidays, I go back to the village where I was born

-اطلاعاتی درباره مکان به ما می دهد:

I come from Suzhou, where there is a big computer industry

• When اطلاعاتی درباره زمان به ما می دهد:

*We came to Abu Dhabi in 2005, **when** I was 74.*

• Why در عبارتی که دلیل چیزی را توضیح می دهد به کار می رود:

*Greenhouse gases are causing global warming, and this is one of **the reasons why** we have to find forms of energy which do not pollute the atmosphere.*

## فصل ۲

### ابزار اشاره

ابزار اشاره برای جلوگیری از تکرار یک کلمه مشابه در جمله به کار می روند:

Twenty-five per cent of the people in the survey said they(the people)  
would repeat the experience

برخی از رایج ترین ابزار اشاره عبارتند از:

- **It/its** به چیزی که قبلاً درمورد آن صحبت شده اشاره می کند:

*My country gives grants for **its** students to study abroad.*

**It** برای اشاره به نظر یا یک مبحث هم استفاده می شود:

There has been a 20% fall in the number of tourists. It has led to a fall in income for hotels

- **They/them/their**: به افراد یا چیزها اشاره می کند:

*There are now 20% more cars than ten years ago, but **they** only consume 70% more fuel*

- **this**: برای اشاره به چیزی که در آخر جمله به آن اشاره شده به کار می رود:

Larger cities need more water. This has meant that there is less water available for agriculture

- **This/these/that** به عنوان صفت به کار می روند:



Children from rural areas find it more difficult to go to university. .

Governments have tried various measures to deal with this problem

- One به یک اسم مفرد قابل شمارش در یک گروه اشاره می کند:

There are several reasons why people are happier than.

in the past. One {or One reason} is that they have more free time

- He/him/his به مرد یا پسری که قبلاً در مورد او صحبت شده اشاره می کند:

Sergei sent his passport to the consulate ..wanted to apply for a visa

.because he

- She/her به دختر یا زنی که قبلاً در مورد او صحبت شده اشاره می کند:

- That برای اشاره به چیزی که قبلاً در مورد آن اشاره شده و نیز برای ارائه دلیل چیزی به کار می رود:

he number of tourists fell, and that is why hotels' income also fell

- Another به دومین یا سومین اسم مفرد قابل شمارشی که درباره آن صحبت شده اشاره دارد:

There are several reasons why people are happier than in the past. .

One is that they have more free time. Another is that they have more money

- Ones به یک اسم جمع اشاره می کند:

Children from rural areas find it more difficult to go to university than .

children from urban ones

- Other صفتی است که قبل از اسم های غیرقابل شمارش یا اسم های جمع قابل شمارش به کار می رود:

Some furniture is exported to Europe. Other furniture is produced for the home market

### جملات شرطی نوع صفر ، اول و دوم

جملات شرطی یک شرط (if...) و عواقب / نتیجه آن را مطرح می کنند. برای جلب توجه بیشتر نسبت به

آن شرایط ، جمله شرطی در آغاز جمله قرار می گیرد:

If I want to discuss something important with my friends, I usually phone them and arrange to meet

اگر نتیجه مهم تر باشد و بخواهیم توجه را به آن جلب کنیم جمله شرطی بعد از آن می آید:

I'll call you tonight if I have time

نکته: درنگارش اگر جمله شرطی اول بیاید کاما بعد از آن استفاده می شود. اگر نتیجه آن اول بیاید کاما به

کار نمی رود.

جملات شرطی نوع صفر

زمان حال - زمان حال + If/Unless

If I don't have a lot of homework to do, I go out with my friends

این جملات برای بیان چیزی که همیشه یا عموماً واقعیت دارند به کار می روند.

جملات شرطی نوع اول

زمان آینده/ فعل کمکی (...can, should, must)، زمان حال + If/Unless

We can go to the park tomorrow if it doesn't rain  
If I get high enough marks in my exams, I'll study biology at university

این نوع جمله شرطی شرایطی در آینده را مطرح می کند که به نظر گوینده می تواند احتمال وقوع داشته

باشد.

## جملات شرطی نوع دوم

مصدر+would/could/might+زمان حال+If/Unless

If my parents weren't so busy, I'd spend more time with them

این نوع جمله شرطی شرایطی غیر واقعی ، یعنی یا ناممکن را در حال آینده بیان می کند:

If/ lived in California, I'd eat ice cream every day

(غیر واقعی-او در کالیفرنیا زندگی نمی کند)

If they offered me fifty thousand dollars a year, I'd accept the job

(بعید است آنها ۵۰۰۰۰ دلار پیشنهاد کنند)

## فصل ۸

### حروف ربط زمان دار

می توانید از حروف ربط زمان دار (...when, after, before, until) برای اتصال عباراتی که زمان

وقوع چیزی را می گویند با عبارت اصلی جمله استفاده کنید.

I'm going to do a postgraduate course after I've graduated. (after I've graduated says when I will do a postgraduate course)

بسته به متن جمله و زمان فعل ها when میتواند معانی زیر را داشته باشد:

• بعد:

**Few people continue to dress like students when they have graduated.**

• تقریباً بطور هم زمان:

*When students graduate, often the hardest thing is to find a job which meets their expectations.*

• بطور همزمان

*Workers should be forbidden to smoke when they are working.*

• Until به معنای "تا آن زمان" است:

Many young people live with their parents until they get married

## زمان ها با حروف ربط زمان دار

- وقتی درباره چیزی صحبت می کنیم که قبل از زمان عبارت اصلی جمله تمام شده است یا از حال ساده یا

ماضی نقلی استفاده می کنیم (قسمت هایی که زیر آن خط کشیده شده):

Most people hope to find a well-paid job when they graduate from  
university Cat

تقریباً همزمان با فارغ التحصیلی

Most people hope to find a well-paid job after they have graduated  
from university

بعد از فراغت از تحصیل

- وقتی درباره کارهایی صحبت می کنیم که همزمان رخ داده اند از حال ساده استفاده می کنیم:

!He wears very smart clothes when he goes to work

(Not: when he's going to work)

- اگر در حال صحبت در مورد دو کار هستید که بطور همزمان رخ داده اند ولی یکی بیشتر از دیگری طول

کشیده از حرف ربط زمان دار برای کاری که بیشتر طول کشیده استفاده کنید:

I hope to pass my driving test when I'm studying in New Zealand

(Not: when I study in New Zealand)

• وقتی در حال صحبت درمورد آینده هستید از زمان حال همراه با

...استفاده کنید when, after, before, until

I won't travel to Canada until I pass my IELTS test

(Not: until I will pass my IELTS test)

I'll visit Russia when I've saved enough money

(Not: when I will save enough money)